

بررسی مهاجرت در مطالعات تحول جمعیت ایران

دکتر حبیب‌الله زنجانی

زین تاج علیزاده آهی

مقدمه

بررسی مهاجرت در مطالعات تحول جمعیت^۱ باید بتواند؛ ۱. بر اساس شناخت مبدأ و مقصد مهاجران، چگونگی جابه‌جایی جمعیت در کشور را تعیین کند؛ ۲. مناطق مهاجرپذیر و مهاجر فرست را مشخص کند؛ ۳. با شناختن شدت و ضعف جریانات مهاجرتی در مناطق مختلف کشور به نوعی آینده‌نگری پردازد؛ ۴. حدود تأثیر مهاجرت را بر تغییرات جمعیت در مقیاسهای منطقه‌ای و استانی برآورد کند؛ ۵. با توجه به نیاز روز افزون به پیشبینی جمعیت تک تک شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ کشور، تأثیر مهاجرت بر تغییرات جمعیتی را به دست آورد. با اینکه انجام این امر در سطح ایده آل عملی نیست و کمبود آمار و ارقام و عدم همخوانی آنها محدودیتهای زیادی را به بار می‌آورد، و با توجه به اینکه تغییر محدوده‌های تقسیمات کشوری نیز کارآیی آمار و ارقام مهاجرتی را به شدت کاهش می‌دهد، می‌توان با استفاده از مجموعه اطلاعات موجود، چگونگی جریانات مهاجرتی و اثر مهاجرت بر میزان

رشد جمعیت را مورد تحلیل قرار داد و به یافته‌های قابل قبولی برای پیشینه‌های جمعیتی دست یافت. در این مسیر، قبل از طرح هر مطلبی، اشاره‌ای گذرا به منابع و موانع موجود در بررسی مهاجرت‌ها در ایران جالب و آموزنده باشد.

منابع و موانع

در برخورد نخست با مسئله مهاجرت در ایران از دید جمعیت‌شناسی، تصور می‌شود که منابع متعددی برای بررسی مهاجرت‌ها در کشور وجود دارد. کتابها و نوشته‌های تاریخی، جغرافیایی، سفرنامه‌ها و نشریات آماری از عمده‌ترین منابع به حساب می‌آیند لکن به جرأت می‌توان گفت که اغلب این نوشته‌ها فاقد اطلاعات تفصیلی و بسیاری از آمارها نیز نادقیق و غیر قابل مقایسه‌اند. اسناد تاریخی تنها به مسیر اقوام مهاجر و حمله و هجوم آنان برای تصرف قسمتهایی از کشور اشاره کرده‌اند و وقایع نگاران نیز معمولاً از جابه‌جایی جمعیت بر اثر اشاعه بیماریها، جنگ و جدالهای داخلی و تغییرات حکومتی سخن به میان آورده‌اند و در این میان تعداد مهاجران، ترکیب و ساختار آنان و چگونگی اسکان و استقرارشان ناشناخته باقی مانده است.

وجود حکومت‌های همزمان در قسمت‌های مختلف ایران و ثابت نماندن قلمرو حکومتی آنان نیز از جمله عوامل بازدارنده تحلیل تاریخی مهاجرت‌ها در محدوده کنونی کشور ماست. شیوه زندگی عشایری و تغییر دایمی محل اسکان و استقرار گروه‌های کثیری از ساکنان این سرزمین که ناشی از شرایط اقلیمی و آب و هوایی کشور از یک طرف و سلطه جویی آنان نسبت به هم و نسبت به حکومت‌های مرکزی و محلی از طرف دیگر است، مهمترین عوامل اثرگذار بر مهاجرت‌ها محسوب می‌شوند. از آنجا که در مطالعات جمعیت‌شناسی باید حتی الامکان از حدس و گمان صرف نظر کرد، به جرئت می‌توان گفت که در مطالعات تاریخی مهاجرت‌ها در ایران، نمی‌توان حتی تصویر کمی نادقیقی نیز از جریانات مهاجرتی به دست آورد. ذکر نمونه‌هایی از پیشینه‌های تاریخی چگونگی طرح موضوع در نوشته‌های مربوط به تاریخ و تمدن ایران و اشاره‌ای به نحوه طرح سؤالات و تدوین جدول‌های مهاجرتی در سرشماریها و بررسیهای جمعیتی گوشه‌هایی از مشکلات مربوط به تحلیل مهاجرت‌ها را در ایران نشان

پیشینه های تاریخی

بی تردید قسمت مهمی از تاریخ و تمدن کشور ما ره آورد مهاجرتها و ساخته مهاجران است. نام این کشور نیز منسوب به قومی است که به گفته ای، در اواسط هزاره دوم پیش از میلاد به این سرزمین مهاجرت کرده اند، در آن اسکان یافته اند، سلسله های متعددی را تشکیل داده اند و تمدنی را پایه گذاری کرده اند که امروزه به عنوان یکی از قدیمیترین تمدنهای انسانی شناخته می شود. تشکیل حکومتها و توسعه قلمرو آنها در ایران همواره با نوعی مهاجرت، جابه جایی و استقرار افراد در سرزمینهای جدید قرین بوده است. این جریان که از دوره ماد آغاز شده در دوره هخامنشیان مقیاس بسیار وسیعتری یافته و در دوره های بعد نیز همچنان ادامه داشته است. هجوم اقوام سک (سکاها) به نواحی شرقی ایران در اواخر قرن دوم پیش از میلاد نتیجه فشار تهاجمی اقوام اورال و آلتایی به منزلگاه آنان در آسیای مرکزی بوده است. ۲۱ که منجر به همسایگی اقوام زردپوست با ایران شد و پیامدهای آن مهاجرتی وسیع بود. سکونت سکاها در بخشی از ایران آن زمان باعث تغییر نام آن منطقه از زرنگ به سکستان و سپس به سیستان شد. در مرحله بعد، این امر به مهاجرت جمعی اقوام سک از آسیای مرکزی به سواحل شرقی و شمالی مازندران و اراضی شمال و شمال غرب دریای سیاه انجامید و سکونت آنان را در آن مناطق به دنبال آورد. در دوره هخامنشیان توسعه قلمرو حکومتی و عمران و آبادی مناطق مختلف کشور در آغاز نوعی جریانات مهاجرتی را و در اواسط آن دوره تثبیت نسبی جمعیت در قسمتهای مختلف سرزمین را موجب شد. غلبه اسکندر بر هخامنشیان جریان جدیدی از مهاجرتها را برانگیخت و ایران غربی و جنوبی را به مرکز استقرار اسکندر و جانشینان وی و ایران شرقی را به مرکز مقاومت و احیای استقلال از دست رفته تبدیل کرد. همین امر خود جابه جاییهای وسیع جمعیت در محدوده ایران آن روز را برانگیخت. جدا شدن سرسلسله اشکانیان از قوم چادر نشین داها که در دشتهای شمالی گرگان سکونت داشتند و عزیمت وی و برادرش به سوی خراسان و دره تجن به منظور جمع آوری نیرو و سپس بازگشت آنان به منطقه پارت و گرگان که منجر به شکست آندراگوراس^۳ ساتراپ آن منطقه شد سرانجام به مهاجرت و

استقرار اشکانیان در منطقه مرکزی و شمالی انجامید. به این ترتیب از طرفی حکومتی تشکیل شد که از یک طرف سلطه خود را از مرو تا سلوکیه گسترش داد، و با اخراج سلوکیها از نواحی غربی ایران مهاجرتهای داخلی گسترده‌ای را برانگیخت، و از طرف دیگر با تشکیل یک حکومت طولانی (حدود ۴۸۰ سال) توانست جلوی هجوم اقوام زردپوست اورال و آلتایی و نیروهای مهاجم رومی را بگیرد و به نوعی ثبات، استقرار جمعیت و توسعه و رفاه دست یابد. این حکومت حرکتهای شدید و ویرانگر مهاجرتهای خارجی ناشی از حمله و هجوم اقوام مختلف را کنترل و به نحو محسوسی کاهش داد.

جابه‌جاییهای جمعیتی در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و در هر دوره شکل خاصی به خود گرفت. در بعضی از ادوار، نظیر دوره ساسانی، نمود شهری یافت و به ایجاد و توسعه شهرهای متعددی منجر شد. در دوره‌های دیگر، نظیر سالهای نخستین استیلای مسلمانان بر ایران، به رانش جمعیتی از منطقه‌ای به مناطق دیگر پرداخت. در قرون سوم و چهارم هجری به ایجاد کشورهای کوچک مستقل منجر شد و نوعی تعلق جمعیت به سرزمینهای کوچکتر را به ارمغان آورد و به تعریف و تحکیم مرزهای جدیدی پرداخت که در بیشتر موارد براساس وابستگیهای قومی و نژادی و یا آرمانی شکل گرفت و دامنه جابه‌جایی جمعیتی را محدودتر کرد.

هر زمان که دولت قویتری تشکیل شد و به استقرار صلح و آرامش در کشور همت گماشت، مرزهای مهاجرتی نیز تغییر کرد و انواع متنوعی از آن ظاهر گشت که از آن میان باید مهاجرتهای اجباری، یعنی کوچاندن و استقرار بعضی از اقوام در نقاطی دورتر از محل اصلی خود؛ و مهاجرتهای خارجی یعنی مهاجرت ایرانیان به کشورهای دیگر را نام برد. در زمانهای نزدیکتر، به ویژه در دوره قاجار، جدا شدن قسمتهایی از سرزمین ایران و استقلال و یا پیوستن آنها به کشورهای دیگر نیز به حرکات مهاجرتی در طول مرزهای جدید نمود دیگری داد و موجب استقرار تعداد کثیری از ایرانیان در آن سوی مرزها و تعداد اندکی از متولدان کشورهای همسایه قبلی در ایران شد.

در همین دوره مهاجرتهای مذهبی مانند مهاجرت ارمنه به ایران و مهاجرات کارگران

ایرانی برای پیدا کردن کار به کشورهای دیگر، به ویژه به اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه، تشدید شد. این جریان که بر اثر وخیم شدن وضع اقتصادی کشور در اواخر دوره قاجار شدت یافت استقرار ایرانیان در حاشیه جنوبی خلیج فارس را نیز به دنبال داشت، جریانی که قدمت طولانیتری دارد و به جهت نیاز به نیروی کار در سرزمینهای جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و رونق اقتصادی بعضی از آنها تاکنون نیز ادامه یافته است.

به رغم قدمت و تنوع جریانات مهاجرتی در داخل کشور و بین ایران و کشورهای دیگر جهان، آمار و اطلاعات مطمئنی در این باره وجود ندارد و حتی در مورد ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز که علی الاصول باید در سرشماریهای کشورهای دیگر خود را نشان دهند داده‌های آماری، حداقل در بعضی از کشورها، با کم شماریهایی همراه است که خاص بررسیهای مهاجرتی است — چه در اغلب موارد، مهاجرانی که وضع قانونی مشخصی ندارند تا جایی که برایشان مقدور باشد از سرشماری طفره می‌روند. نظری به تعداد مهاجران ایرانی در سرشماریهای مهمترین کشورهای مهاجرپذیر از ایران تا حدودی چگونگی این امر را روشن می‌کند^۴:

| نام کشور | سال سرشماری | تعداد مهاجران ایرانی در آن کشور (نفر) |
|---------------------|-------------|--|
| آلمان غربی | ۱۹۸۲ | ۳۸۴۳۲ |
| انگلستان | ۱۹۸۱ | ۲۸۰۶۲ |
| فرانسه | ۱۹۸۲ | ۱۰۴۲۰ |
| سوئیس | ۱۹۸۵ | ۲۶۶۵ |
| بلژیک | ۱۹۸۱ | ۹۶۲ |
| دانمارک | ۱۹۸۵ | ۸۵۷ |
| هند | ۱۹۸۳ | ۶۸۲ |
| اسپانیا | ۱۹۸۱ | ۷۲۶ |
| اسپانیا | ۱۹۸۳ | ۱۴۰۰ |
| ایتالیا | ۱۹۸۱ | ۳۹۱۷ |
| ایالات متحده آمریکا | ۱۹۸۰ | ۱۲۱۵۰۵ |
| کویت | ۱۹۷۵ | ۲۰۸۴۲ |

دوره آماری

در دوره آماری نیز که زمانی ۳۵ ساله - از ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ - را شامل می‌شود و در مقیاسهای بزرگ ملی و منطقه‌ای، بر یافته‌های سرشماریها استوار است تنها سؤال مشابهی که در همه سرشماریها تکرار شده محل تولد و محل اقامت افراد است. اطلاعات به دست آمده از این سؤال نیز در بیشتر موارد غیر قابل قیاس است و تغییرات مکرر تقسیمات کشوری نیز قیاس پذیری محدود آنها را به کلی برهم زده است. نگاهی گذرا به چگونگی جدول بندی داده‌های مربوط به محل تولد و محل اقامت افراد در سرشماریهای مختلف مشکلات مربوط به تحلیل مهاجرت از روی این داده‌ها را نشان می‌دهد:

۱. نتایج سرشماری سال ۱۳۳۵ در قالب تقسیمات کشوری سال ۱۳۳۸ انتشار یافته و در ۱۱۹ نشریه برای ۱۱۹ حوزه آماری، و دو نشریه برای کل کشور تدوین شده است. ارقام مندرج در این نشریات ناظر بر حوزه‌های آماری است و تفاوتی بین محدوده آنها با محدوده‌های شهرستانی وجود دارد. این محدوده‌ها حتی در مقیاس استانی نیز بر هم منطبق نبوده‌اند و در ۱۱ استان از ۱۳ استان آن زمان، در جمعیت محدوده‌های آماری، نسبت به استانهای مربوط، تفاوتی بین ۴۲۸ر تا ۱۳۲۹ درصد وجود داشته است.^۵

اطلاعات مربوط به مهاجرت و جابه‌جایی افراد در این سرشماری در نشریه کل کشور در ۴ جدول (جدولهای ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) و در نشریه‌های حوزه‌های سرشماری شهرستانی در ۲ جدول (جدولهای ۸ و ۹) ارائه شده است.

جدول ۱۳ نشریه کل کشور محل تولد ساکنان حوزه‌های سرشماری، بر حسب استان محل تولد، و متولدان خارج از کشور را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول ناظر بر تعداد افراد هر دو جنس است و اطلاع جداگانه‌ای برای هریک از آنها به دست نمی‌دهد. جدول ۸ نشریه‌های شهرستانی، محل تولد افراد را به تفکیک شهرستان محل اقامت، شهرستانهای همجوار، شهرستانهای غیر همجوار و متولدان خارج از کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴ محل اقامت مهاجران خارج شده از متولدان هر استان را به تفکیک شهرستانهای تشکیل دهنده آن استان در آبانماه ۱۳۳۵ در حوزه‌های سرشماری استانی عرضه می‌کند. همان‌طور که قبلاً گفته شد در تعدادی از استانها محدوده‌های استانی تقسیمات کشوری با

محدوده‌های استانی حوزه‌های آمارگیری مطابقت ندارند و نمی‌توان آنها را عیناً مشابه یک‌دیگر دانست. در صورتی که بتوان این تفاوتها را از بین برد و به آمار و ارقام سرشماری در محدوده‌های استانی تقسیمات کشوری رسید و در این یکسان‌سازی محدوده‌ها نیز تغییر تعداد مهاجران را متناسب با افزایش یا کاهش جمعیت بر اثر تغییر محدوده‌ها، پذیرفتنی دانست می‌توان به تحلیل مهاجرت بین استانهای ۱۳ گانه کشور در سال ۱۳۳۵ دست یافت.

در جدول ۱۵ نشریه سرشماری سال ۱۳۳۵ کل کشور، محل تولد مهاجران مقیم حوزه‌های آماری شهرستانی برحسب شهرستانهای تقسیمات سرزمینی داده شده است در صورتی که انجام همانندسازی محدوده‌ها و تعداد مهاجران برحسب جمعیت در این مقیاس نیز شدنی و قابل قبول باشد می‌توان به تحلیل جریانات مهاجرتی در مقیاس شهرستانی یا حوزه‌های آماری شهرستانی (۱۱۷ شهرستان ۱۱۹ حوزه آماری) اقدام کرد. سرانجام جدول ۱۶ نشریه کل کشور و جدول ۹ نشریات شهرستانی محل تولد افراد را برحسب سن، در جمعیت مقیم حوزه سرشماری نشان می‌دهند. در جدولهای نشریه کل کشور، مهاجران و غیرمهاجران را در مقیاسهای استانی سرشماری از هم تفکیک کرده‌اند و سپس مهاجران را به «مهاجران بین شهرستانهای همجوار»، «مهاجران بین شهرستانهای غیرهمجوار» و «متولدان در خارج از کشور» تقسیم کرده‌اند و ستونی را نیز به افرادی که محل تولد اظهارشده‌ای نداشته‌اند، اختصاص داده‌اند. جدول ۹ نشریات شهرستانی، «محل تولد افراد را برحسب سن در جمعیت مقیم حوزه سرشماری» به دست داده است. در این جدول جمعیت کل حوزه سرشماری، شهر اصلی و بقیه نقاط حوزه از هم تفکیک شده، و ارقام برحسب «متولدان در این حوزه سرشماری»، «متولدان در سایر حوزه‌های سرشماری»، «متولدان خارج از کشور» و «محل تولد اظهار نشده» گروه‌بندی شده است. طبقه‌بندی سن در جدول ۱۶ نشریه کل کشور و جدول ۹ نشریه شهرستانی شبیه هم و به شرح زیر است:

کمتر از ۵ سال:

کمتر از یکساله

۱-۴ ساله

۵-۱۴ ساله

۱۵- ۲۴ ساله

۲۴- ۳۴ ساله

۳۵- ۴۴ ساله

۴۵- ۵۴ ساله

۵۵- ۶۴ ساله

۶۵ ساله به بالا

سن اظهار نشده

اشکالاتی که از نظر مطالعه مقایسه ای مهاجرتها بر این اطلاعات وارد است عبارت اند از :

۱. تفاوت تعداد شهرستانها (۱۱۷ شهرستان) و تعداد حوزه های آماری (۱۱۹ حوزه).

۲. نامساوی بودن محدوده اغلب حوزه های آماری با محدوده های شهرستانی .

۳. عدم ارائه آمار و ارقام جمعیتی به تفکیک جنس .

۴. تقسیم بندی خاص سن در گروه های ۵ و ۱۰ ساله .

۵. عدم امکان مطالعه مهاجرتها در داخل یک استان و بین استانها و محدود شدن آن به

شهرستانهای همجوار و غیر همجوار .

۲. در سرشماری سال ۱۳۴۵ تفاوت محدوده حوزه های آماری و شهرستانی از بین رفت ،

اطلاعات در محدوده های شهرستانی مربوط به همان سال انتشار پیدا کرد و علاوه بر آنها

برای هر استان نیز نشریه جداگانه ای تهیه و در جدولهای مهاجرتی تفکیک جمعیت به دو

جنس عملی شد . گروه بندی سنی نیز شکل منظمتری یافت و در قالب گروه های منظم

پنجساله قرار گرفت و با جدول بندی مناسب داده ها ، امکان بررسی مهاجرتها در داخل استانی

و بین استانی نیز فراهم شد . در این سرشماری تعداد شهرستانها به ۱۴۶ افزایش یافت و

محدوده بسیاری از آنها تغییر کرد به گونه ای که امکان مطالعه مقایسه ای مهاجرت در فاصله

سالهای ۴۵ - ۱۳۳۵ ، در مقیاسهای کوچکتر از کشور از بین رفت و مقایسه شدت مهاجرتها

در سطح کشور نیز ، متأثر از تغییر تقسیمات سرزمینی ، مفهوم واقعی خود را از دست داد . در

نشریات سرشماری سال ۱۳۴۵ تنها یک جدول آن هم به صورتی مشابه در کل کشور ،

استانها و شهرستانها به ارائه اطلاعاتی در مورد مهاجرتها پرداخته است . لازم به یادآوری

است که مرکز آمار ایران نشریه دیگری از روی یافته‌های این سرشماری در دی ماه سال ۱۳۵۱ تحت عنوان «پژوهشی در مهاجرت‌های داخلی کشور براساس زادگاه و محل اقامت در زمان سرشماری سال ۱۳۴۵» انتشار داده است.

۳. در سرشماری سال ۱۳۵۵ سؤال جدیدی مطرح شد و محل اقامت ۵ سال پیش از سرشماری جمعیت ۵ ساله به بالا را به دست داد. پرسش مربوط به محل تولد و محل اقامت افراد نیز عیناً مانند سرشماری سال ۱۳۴۵ مطرح شد و اطلاعات به دست آمده نیز در همان قالب کلی جدول سال ۱۳۴۵ انتشار یافت. به رغم این ملاحظات، افزایش تعداد شهرستانها از ۱۴۶ به ۱۶۲ موجب به هم ریختن نظم مقایسه‌ای آمارها شد به گونه‌ای که در بسیاری از موارد امکان مقایسه مهاجرت‌ها در فاصله سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نیز غیر ممکن شد.

۴. سرشماری سال ۱۳۶۵ به مسئله مهاجرت به صورت تفصیلتی‌تری برخورد کرد ولی به رغم جمع‌آوری اطلاعات بسیار ارزشمند، نحوه ارائه اطلاعات مهاجرتی به گونه‌ای تغییر یافت که امکان مقایسه داده‌های حاصل با نتایج هیچ یک از سرشماریهای گذشته مقدور نشد و تنها جدول مقدمه نتایج سرشماری داده‌هایی را در مقیاسهای تقسیمات کشوری به دست داد. اشتباهات موجود در این جدول در بخشهای شهرستانهای تعدادی از استانها و عدم همخوانی آنها با مجموعه یافته‌های استانی مشکل دیگری بر مجموعه مشکلات افزود. افزایش تعداد شهرستانها از ۱۶۲ در سال ۱۳۵۵ به ۱۹۵ در سال ۱۳۶۵ نیز امکان مقایسه داده‌های مهاجرتی را به شدت محدودتر ساخت.

۵. نتایج آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ پس از تأخیر و تردید زیادی که به دلیل ناهمخوانی غیرمنطقی نتایج مقدماتی و نهایی آن وجود داشت سرانجام پس از گذشت ۲۰ ماه به تدریج شروع به انتشار کرده است. به رغم احتمال کم شماری زیاد در گروه سنی ۴-۰ ساله می‌توان داده‌های مهاجرتی این آمارگیری را نیز منبع دیگری برای شناخت تغییر و تحول مهاجرت در ایران دانست. در این آمارگیری علاوه بر ۲ جدول در مقدمه نشریه‌های استانی (جدولهای ث و ج) که چکیده‌ای از جدولهای تفصیلی نشریه‌هاست، جمعاً ۵ جدول به طرح ویژگیهای مهاجران پرداخته است. در نشریه‌های استانی این آمارگیری که تاکنون انتشار یافته است جدول ۳ توزیع جمعیت ساکن برحسب جنس و محل تولد را به دست می‌دهد. شکل

جدول کاملاً مشابه جدول ۳ نشریه های سرشماری سال ۱۳۶۵ است. در جدول ۵ نیز اطلاعات مربوط به مهاجرانی که طی ۵ سال گذشته وارد شده اند. (۷۰ - ۱۳۶۵) در همان قالب جدول ۳ عرضه شده است. در این آمارگیری علاوه بر اطلاعات مشابه سال ۱۳۶۵ ستونی نیز به ارائه تعداد مهاجران متولد شهر یا آبادی محل سرشماری اختصاص یافته است که در فاصله سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ به محل تولد خود بازگشته اند. از روی ارقام این ستون، با استفاده از مقایسه داده ها، می توان به تقریب اطلاعاتی در مورد بازگشت مهاجران جنگ تحمیلی به محل تولد خود به دست آورد. در جدول ۱۶ نشریه های آمارگیری وضع سواد و تحصیل مهاجران دوره ۵ ساله ۷۰ - ۱۳۶۵ بر حسب سن و جنس، در جدول ۱۸، وضع فعالیت افراد ۱۰ ساله به بالای این مهاجران بر حسب سن و جنس، و در جدول ۱۹ وضع فعالیت آنان از لحاظ سواد و سطح تحصیل به تفکیک جنس داده شده است. همه این جدولها علاوه بر کل استان، نقاط شهری و روستایی آنها را نیز جداگانه در نظر گرفته است.

نتیجه آنکه داده های سرشماریها در مورد مهاجرت و جابه جایی جمعیت در ایران، امکان تحلیل مقایسه ای این پدیده را در طول زمان میسر نمی کند و به همین جهت از روی آنها، تنها می توان به تحلیل مقطعی مهاجرتها پرداخت و ویژگیهای کلی آنها را به هم ربط داد.

پانوشها

۱. این مقاله مقدمه یک بررسی تحلیلی درباره مهاجرتها در ایران است که در سال ۱۳۷۲ به انجام رسیده است.
۲. اطلس تاریخی ایران، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
3. Andragoras
۴. گزیده مطالب آماری، سال یکم، شماره ۴ (مرداد ۱۳۶۴)، و شماره ۶ (مهر و آبان ۱۳۶۴)، از انتشارات مرکز آمار ایران.
۵. جمعیت و شهرنشینی در ایران، جلد اول، حبیب الله زنجانی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، سال ۱۳۷۰، ص ۲۸.